

ارزیابی سیاست مالیاتی ایران از جنبه فقر و نابرابری: آیا سیاست مالیاتی به نفع فقیر بوده است؟

خسرو پیرائی^۱

سارا فرد دوجی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۱/۲۰

چکیده

رفع فقر و کاهش نابرابری از وظایف اصلی دولت به شمار می‌آید. دولت می‌تواند با به کار گرفتن درآمدهای مالیاتی، وضع اقتصادی افراد را تغییر داده و نقش مهمی در کاهش فقر و نابرابری ایفا نماید. هدف عمده این مقاله، ارزیابی سیاست مالیاتی ایران از جنبه فقر و نابرابری می‌باشد. بدین منظور از ضریب نابرابری اتکینسون، کشش رفاه و شاخص اصلاح رفاه استفاده شده است. روش به کار گرفته شده به دولت کمک می‌کند تشخیص دهد که آیا سیاست مالیاتی به نفع فقیر بوده است؟ نتایج عمدۀ مقاله نشان می‌دهد نابرابری اجزاء مختلف درآمدی در ایران طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ در مناطق شهری و روستایی افزایش یافته و سیاست مالیاتی دولت در جهت افزایش فقر و نابرابری اعمال شده است.

واژگان کلیدی: رفع فقر، نابرابری اتکینسون، کشش رفاه، شاخص اصلاح رفاه، سیاست مالیاتی به

نفع فقیر

طبقه بندی JEL: D63 , H71 , I32

۱. دانشیار اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی شیراز
۲. کارشناس ارشد اقتصاد

۱- مقدمه

کارشناسان و محققان مدتها توجه خود را معطوف به رشد اقتصادی نموده اند و دستیابی به نرخ رشد بالا نقشی محوری در برنامه ها داشته و همچنان نیز مدنظر می باشد. لیکن رشد اقتصادی به تنهایی نمی تواند راه حل تمام مشکلات باشد. نه تنها در ایران بلکه در غالب کشورها دولت به نوعی درگیر مسائل فقر و نابرابری بوده است. در واقع رفع فقر و کاهش نابرابری را می توان هدف مهم دولت به حساب آورد. فعالیت ها و برنامه های دولت باید در این جهت به کار گرفته شوند. به رغم اهمیت بالای این موضوع، مسائل فقر و نابرابری درآمد آنطور که باید در ارتباط با برنامه ها و سیاست های دولت مورد توجه قرار نگرفته است. وجود فقر و شدت آن در جامعه نشانه عدم سلامت، ضعف عملکرد نظام اقتصادی و شکست برنامه های عدالت اجتماعی می باشد. ضروری است، بهبود وضع افراد کم درآمد و فقیر و کسانی که در خطر فقیر شدن قرار دارند، در رأس برنامه های دولت قرار گیرد. قرار گرفتن افراد زیر خط فقر، مبنی عدم موفقیت سیاست های دولت بوده و این حقیقت را می رساند که سیاست ها به نفع فقیر^۱ نبوده است.

بنابراین ضرورت ایجاب می کند هرگونه برنامه دولت در ارتباط با هدف کاهش فقر و نابرابری درآمد تنظیم گردد. در این میان بویژه برنامه ها و سیاست های مالیاتی از جایگاه بالای برخوردار می باشند. با توجه به اینکه به نظر می رسد در ایران نیز مسائل فقر و نابرابری درآمد خودنمایی می کنند، این سؤال مهم مطرح می گردد: چه کسانی از سیاست های مالیاتی دولت بهره مند شده و یا بیشتر بهره مند می شوند؟ به عبارت دیگر، آیا سیاست های مالیاتی به نفع افراد فقیر یا غنی بوده است؟

چنانچه منافع سیاست مالیاتی بیشتر متوجه افراد فقیر تا غیر فقیر گردد و فقر را کاهش دهد به نفع فقیر نامیده می شود. تحقیق حاضر به منظور پاسخ به سؤال مطرح شده و به ارزیابی سیاست مالیاتی ایران از جنبه کاهش فقر و نابرابری پرداخته است. در این راستا از داده ها و اطلاعات سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲^۲ ایران استفاده شده و برای ارزیابی سیاست مالیاتی و تأثیر آن بر فقر و نابرابری درآمد به تابع رفاه اجتماعی نیاز است که از انعطاف پذیری کافی برخوردار باشد. بدین منظور از تابع رفاه اجتماع هموتیک مطرح شده توسط انکینسون (۱۹۷۰) و ضریب نابرابری مرتبط با آن استفاده خواهد شد. تابع فوق به پارامتر نابرابری گریزی^۳ که می تواند وزن متغیر به سطوح مختلف درآمد

1. Pro poor

۲. سالهای مربوط به برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور

3. Inequality aversion

بدهد، بستگی دارد. همچنین برای ارزیابی سیاست مالیاتی شاخص اصلاح رفاه^۱ استخراج می‌گردد. در ادامه مقاله پس از طرح پیشینه تحقیق به معرفی الگو پرداخته و "سطح درآمد معادل درآمد" برابر توزیع شده^۲، ضریب نابرابری اتکینسون^۳، کشش رفاه و شاخص اصلاح رفاه محاسبه خواهد شد و در پایان نتیجه گیری به عمل می‌آید.

۲- پیشینه تحقیق

در داخل کشور مطالعات متعددی در خصوص فقر و نابرابری انجام شده واز میان آنها مطالعات زیر مرور می‌گردد. محسن جلالی (۱۳۸۵) به نقش دوام مهمن درآمد و توزیع آن در ارتباط با مسئله فقر اشاره نموده و حساسیت شاخص‌های فقر یعنی شاخص‌های شکاف فقر و شدت فقر را نسبت به عوامل فوق محاسبه کرده و با توجه به خط فقر مفروض، نشان داده که عکس العمل شدت فقر در برابر تأثیر تغییر در درآمدها و نابرابری در توزیع آن بیشتر بوده و با عنایت به کاهش محسوس تأثیرگذاری رشد درآمدها بر فقر، کشش پذیرتر بودن این شاخص‌ها نسبت به نابرابری توزیع درآمدها و نیز شاخص تبادل بین این دو پارامتر بر فقر، بر استفاده از سیاست‌های فقرزدایی مبنی بر کاهش نابرابری در توزیع درآمدها و توزیع مجدد آن با استفاده از پرداخت یارانه‌های هدفمند و اخذ مالیات از گروه‌های پردرآمد در کنار رشد اقتصادی و افزایش درآمدها تأکید نموده است.

محسن جلالی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای دیگر با استفاده از ضریب جینی برای اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد و محاسبه کشش درآمدی ضریب جینی به ارزیابی توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در ایران طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ پرداخته و نشان داده بیشترین سهم در نابرابری و هزینه کل مربوط به گروه‌های اول و سوم و ششم بوده و روند آن طی سالهای مورد بررسی برای گروه اول کاهشی اما برای گروه‌های سوم، پنجم و ششم صعودی شده و کشش درآمدی ضریب جینی گروه‌های اول و سوم کمتر از واحد و برای سایر گروه‌ها بیشتر از واحد است. این شاخص برای گروه ششم حداقل می‌باشد و تأکید گردیده پرداخت یارانه به تنها یی منجر به کاهش نابرابری و ارتقاء سطح رفاه جامعه نخواهد شد. لذا برای کاهش و کنترل نابرابری در توزیع درآمد، پرداخت یارانه‌های هدفمند همراه با اخذ مالیات از گروه‌های پردرآمد و اقلام خاص، کنترل سطح قیمت‌ها بویژه کالاهای مورد نیاز خانوارها و توجه به تأمین اجتماعی و بیمه‌های درمانی و اجتماعی و

-
1. Welfare reform index
 2. Equality distributed equivalent
 3. Atkinson's inequality measures

برداخت یارانه به آنها می‌تواند به بهبود توزیع و کاهش نابرابری در توزیع درآمد و ارتقاء سطح رفاه جامعه منتهی شود.

فیبرز رئیس دانا(۱۳۸۴) با ارائه اصول نه گانه و ارزیابی نظری شاخص‌های سن^۱، کاکوانی^۲، تاکایاما^۳ و دیگران شاخص و پویش فقر در ایران را اندازه گیری نمود. با بررسی وضعیت فقر و توزیع درآمد در ایران و به کارگیری شاخص میانگین هندسی سوم کاکوانی و اول سن، شاخص فقر بالا و نامناسب با درآمدهای اقتصادی در ایران است.

وحید محمودی(۱۳۸۳) با تأکید بر ضرورت تجزیه تغییرات فقر به دو اثر "رشد" و "توزیع مجدد" در تعیین رابطه رشد و فقر و بر مبنای آن میزان تأثیر پذیری رشد و نابرابری بر تغییرات فقر طی برنامه پنج‌ساله اول را مورد بررسی قرار داد. وی دقیق بودن، عدم نیاز به جزء باقی مانده و راحتی در کاربرد تجربی، مزیت‌های مدل ارائه شده نسبت به مدل دات و راوالیون^۴ و سایر مدل‌ها مطرح کرد و نشان داد یک رابطه مستقیم بین کاهش فقر و رشد اقتصادی و همچنین بین فقر و نابرابری در ایران وجود دارد و هردو اثر "رشد" و "توزیع مجدد" در تغییرات فقر سهیم بوده اما افزایش فقر در مناطق روستایی بیشتر به افزایش نابرابری یا جزء توزیع مجدد وابسته است در حالی که در مناطق شهری و کل کشور عمده‌تر ناشی از افت میانگین مخارج مصرفی می‌باشد. اشاره گردید نابرابری (رشد) نباید فدای رشد(نابرابری) شود. مطالعه فوق بر اجرای سیاست‌هایی که رشد اقتصادی و کاهش نابرابری درآمد را با هم مد نظر دارند و اولویت دادن به سیاست‌های رشد گرا تأکید دارد. داود سوری(۱۳۸۰) در مطالعه خود تحت عنوان "فقر و سیاست‌های کلان اقتصادی" به محاسبه و مقایسه معیارهای فقر در دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵ و تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر فقر پرداخته و سعی نموده به این سوالات پاسخ دهد: فقر در دوره ای از تاریخ اقتصاد کشور که از آن به عنوان دوره بازسازی یاد شده، چگونه تغییر کرده است؟ فقر نسبت به سیاست‌های کلان اقتصادی چگونه حساسیت و واکنش نشان داده است؟ با محاسبه خط فقر، استفاده از روش غلبه^۵ و اندازه گیری فقر با توجه به شاخص‌های نسبت سرشماری^۶، شکاف فقر^۷ و سن^۸، نتایج زیر را به دست آورده است.

-
1. Sen
 2. Kakwani
 3. Takayama
 4. Datt&Ravallion
 5. Dominance method
 6. Head count ratio
 7. Poverty gap
 8. Sen

سطح عمومی فقر در دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ ثابت بوده و در دوره ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ کاهش و ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵ افزایش و در سال ۱۳۷۵ در سطح معادل ۱۳۷۴ ثابت باقی مانده است و طی دوره مورد بررسی سیاست‌های کلان اقتصادی در جهت کاهش فقر عمومی عمل کرده‌اند.

فرهاد نیلی (۱۳۷۵) به بررسی تحولات فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماع در ایران پرداخت. وی با استفاده از نتایج اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهر و روستایی ایران، خط فقر را محاسبه کرده و با به کارگیری مدل پروبیت^۱، اقدام به تخمین فقر به تفکیک شهری و روستایی و تأثیر عوامل مختلف بر آن نمود. نتایج حاصل از برآورد نشان می‌دهد: در مجموع عوامل وضعیت جمعیتی، اشتغال، سرمایه انسانی و فیزیکی خانوار، بیشترین تأثیر را بر فقر داشته‌اند. فقر و سیاست‌های مالی دولت در مطالعات خارج از کشور مورد توجه جدی قرار گرفته است.

کاکوانی و سان (Kakwani & Son, 2001,a) و سان (Son, 2003,a) با محاسبه کشش فقر و شاخص اصلاح فقر، اجزاء مختلف سیاست‌های مالی دولت فیلیپین را از جنبه کاهش فقر مورد ارزیابی قرار دادند. در تعقیب اهداف اساسی تحقیق، با ارائه یک روش عمومی برای ارزیابی سیاست‌های مالی اتخاذ شده توسط دولت و تأثیر آن بر نابرابری تحلیل سیستم مالی دولت فیلیپین و انجام اصلاحات نهایی، به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های مالی اتخاذ شده کشور فیلیپین به نفع افراد فقیر نبوده و منافعی که متوجه افراد غنی شده بیش از افراد فقیر بوده و توصیه کردند سیستم مالی باید در جهت عادلانه شدن اصلاح شود.

در مطالعه‌ای دیگر کاکوانی و سان (Kakwani & Son, 2001b) با مرور شاخص‌های نابرابری و فقر با استفاده از داده‌های سالهای ۱۹۹۲-۳ و ۱۹۹۷-۸ کشور لائوس، ضریب جینی تعییم یافته^۲، شاخص‌های نابرابری تیل^۳ و اتکینسون و شاخص‌های فقر را برآورد نمودند. نتایج نشان می‌دهد تحت هر شاخص نابرابری، رشد سریع اقتصادی لائوس نابرابری را تشدید کرده است و هر شاخص مقدار متفاوتی را مطرح می‌نماید. میزان افزایش نابرابری با افزایش پارامتر نابرابری افزایش می‌یابد و بنابراین نتیجه گرفته می‌شود: منافع افراد فقیرتر، کمتر از افراد کمتر فقیر می‌باشد. همچنین محاسبه شاخص‌های فقر بیانگر کاهش قابل ملاحظه فقر طی سالهای مورد بررسی بوده است. گرچه افراد غنی بیش از فقیر از منافع بھرمند شده‌اند، اما کاهش فقر نشان می‌دهد منافع رشد به افراد فقیر نیز سراست^۴ کرده است.

-
1. Probit
 2. Generalized Gini index
 3. Theil
 4. Trickled down

سان (Son, 2003b&2006) در مطالعه دیگری تحت عنوان "آیا سیستم مالی کشور تایلند به نفع افراد فقیر است؟"، با هدف یافتن راهی برای ارزیابی سیاست های مالی دولت از نقطه نظر عدالت و با طرح سوالات : کدامیک از اجزاء یک سیستم مالی عادلانه می باشد؟ و چطور می توان یک سیستم مالی را اصلاح کرد؟ به ارزیابی و اصلاح سیستم مالی تایلند پرداخت. بدین منظور با محاسبه کشش رفاه و شاخص های اصلاح رفاه و اصلاح قیمت نشان داده شد در کشور تایلند، درآمدهای کالایی^۱ کاملاً عادلانه بوده در حالی که درآمدهای پولی ناعادلانه می باشند. اگر دولت به خانواده هایی که درآمد آنها عمدتاً از مواد غذایی و منابع دیگر کالایی تأمین می شود، یارانه بپردازد، قشر فقیر بیش از طبقه غنی سود می برد. به علاوه مالیات های مستقیم مربوط به کشاورزی، اجاره زمین کشاورزی و از این قبیل، اثر منفی بیشتری بر افراد فقیر تا غنی داشته و منجر به تشدید نابرابری می گردد.

کاکوانی و سان (Kakwani & Son, 2005) نیز در مطالعه ای تحت عنوان "درباره ارزیابی برنامه های دولت به نفع فقراء" با محاسبه شاخص های فقر و معرفی شاخص سیاست به نفع افراد فقیر نشان دادند، در کشور تایلند برنامه های رفاهی دولت بیشتر به نفع فقیر تا غنی بوده است.

نکته جالب در مطالعه فوق این است که با محاسبه شاخص درون گروهی سیاست به نفع فقیر^۲ نشان داده شد برنامه های دولت در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر به نفع فقیر بوده در حالی که شاخص کل گروهی^۳ سیاست به نفع فقیر در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری بیشتر به نفع فقیر می باشد. در کشور روسیه سیستم رفاهی بیشتر به نفع افراد فقیر تا غیر فقیر بوده است. مهمتر آن که سیستم رفاهی به طور مطلق بیشتر متوجه افراد خیلی فقیر^۴ تا فقیر می باشد. نتایج مشابهی برای کشور ویتنام نیز به دست آورده اند.

ودن، هیکس، ریان و گونزالس چگونگی مخارج عمومی با توجه به اثر بر فقر را با استفاده از داده های تلفیقی^۵ کشور آمریکای لاتین یعنی آرژانتین، کاستاریکا، مکزیک، پاناما، جمهوری دومینیکن، شیلی و هندuras بررسی نمودند(Woden, Hicks, Ryan and Gonzalez, 2000). پرسش اصلی تحقیق فوق این است که مخارج عمومی برای طبقه فقیر در دوره رونق و رکود چگونه است؟ با استفاده از الگوی زیر:

$$\max W = x^P \log(x^P + E - \beta) + x^R \log(x^R - tx^R) = x^F \log(tx^R - E)$$

1. In kind

2. Within-Group pro poor policy index

3. Total- Group

4. Ultra poor

که در آن: W : تابع رفاه اجتماع، R : خانوار ثروتمند، P : خانوار فقیر، X : درآمد و E : هزینه‌های عمومی می‌باشد. مخارج عمومی به کار گرفته شده برای افراد فقیر به مقدار E و برای سایر موارد مثل دفاع و غیره به میزان F بوده و مخارج عمومی با وضع مالیات با نرخ معین (t) بر افراد غنی تأمین می‌گردد. با معرفی کشش مخارج نسبت به رشد و با توجه به یافته مطالعه ودن (۲۰۰۰) مبنی بر آن که در کشورهای آمریکای لاتین رشد نسبت به نابرابری خنثی می‌باشد و با اندازه‌گیری شاخص‌های فقر نشان داده شد. دولت کشورهای منتخب آمریکای لاتین جهت حمایت از افراد فقیر و یا حداقل حمایت از مخارج اجتماع در خلال بحران‌ها کوشش‌هایی انجام داده اند و مخارج فوق در دوران رونق بیش از رشد اقتصادی افزایش داده شد. اما این افزایش برای حمایت در دوران رکود کافی نمی‌باشد. بنابراین این مسأله باعث افزایش فقر می‌گردد.

۳- معرفی الگو

مقاله با تعریف "سیاست مالیاتی به نفع فقیر" و با استفاده از کشش فقر، شاخص نابرابری اتکینسون، و معرفی شاخصی به نام "شاخص سیاست مالیاتی به نفع فقیر" که درجه به "نفع فقیر"^۱ را اندازه‌گیری می‌کند، سیاست مالیاتی دولت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. شاخص مزبور در واقع عبارتست از نسبت درصد کاهش فقر ناشی از سیاست مالیاتی واقعی به درصد کاهش فقر یک موقعیت فرضی که در آن هر فرد دقیقاً نفع یکسانی از سیاست مالیاتی می‌برد. مقدار این شاخص وسیله ارزیابی قرار می‌گیرد. روش مزبور توسط سان^۲ در مورد کشورهای فیلیپین، تایلند، روسیه، ویتنام و ۱۵ کشور آفریقایی به کار گرفته شد.تابع رفاه اجتماع به کار گرفته شده در مقاله، همان تابع رفاه اجتماع اتکینسون می‌باشد.^۳

اتکینسون رفاه اجتماع را به صورت متوسط حاصل جمع مطلوبیت‌های فردی تعریف نمود.

$$W = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n u(x_i)$$

با فرض مطلوبیت هر فرد یکسان و تابع مطلوبیت نسبت به درآمد مقعر

چنانچه منحنی‌های لورنز یکدیگر را قطع نکنند، رفاه اجتماع درآمدهای توزیع شده را دقیقاً مانند معیار لورنز مرتب خواهد کرد. براین اساس می‌توان بدون اطلاع از چگونگی تابع مطلوبیت البته با

1. Pro Poorness

2. Son

3. جهت اطلاع دقیق‌تر از ویژگی‌های تابع رفاه اتکینسون می‌توان به مقاله اتکینسون (۱۹۷۱) تحت عنوان "درباره اندازه گیری نابرابری" مراجعه نمود.

حفظ افزایشی و مقعر بودن، سیاست های مختلف را از جنبه فقر مورد ارزیابی قرار داد. تأکید به عمل آمده آن است که منحنی های لورنز یکدیگر را قطع نکنند اما به طور معمول منحنی های لورنز می توانند یکدیگر را قطع کنند و این محدودیت عده منحنی های لورنز می باشد. در این صورت به شاخص های اندازه گیری نابرابری که هریک از آنها می تواند تابع رفاه اجتماع متغیر است. نابرابری را می توان بر حسب درآمد سرانه یا مخارج سرانه اندازه گیری کرد. داشته باشد، نیاز است. نابرابری استاندارد واقعی زندگی است. به طور معمول درآمد سرانه، نابرابری را نسبت به مصرف سرانه بزرگتر نشان می دهد (Kakwani & Son, 2001b).

از شرایط مهم شاخص نابرابری آن است که انتقال درآمد از فرد فقیر به کمتر فقیر و یا غنی، نابرابری را تشدید نماید که در ادبیات نابرابری از آن به عنوان شرط پیگو - دالتون¹ یاد می شود (سن، ۱۹۷۳). شاخص های متعددی برای اندازه گیری نابرابری مطرح شده است. در این میان می توان به شاخص دوگانه تبل و شاخص جینی اشاره داشت. اما شاخص مورد استفاده در این مقاله، شاخص نابرابری اتكینسون می باشد و به این دلیل شاخص مزبور مورد توجه قرار گرفته که برخلاف شاخص های نابرابری دیگر که ارتباطی به تابع رفاه اجتماع ندارند، شاخص اتكینسون مستقیماً از تابع رفاه اجتماع به دست آمده و با توجه به موضوع مقاله، مناسب می باشد. مسئله محوری در شاخص نابرابری اتكینسون مفهوم "سطح درآمد معادل درآمد برابر توزیع شده" که X^* است. مفهوم فوق بیانگر سطح درآمدی است که اگر به هر فرد تعلق گیرد، رفاه کل دقیقاً با رفاه کل ناشی از توزیع درآمد واقعی برابر می شود. "سطح درآمد معادل درآمد برابر توزیع شده" را می توان "حداقل سطح رفاه اجتماع" که باید به هر فرد تعلق گیرد نیز نامید. بنابراین مطلوبیت "سطح درآمد معادل درآمد برابر توزیع شده" عبارت است از:

$$U(X^*) = \sum_{i=1}^n f_i U_i(X_i) \quad (1)$$

که در آن، f_i نسبت جمعیت با درآمد X_i . $U_i(X_i)$ تابع مطلوبیت درآمد (X_i) می باشد. شاخص نابرابری اتكینسون عبارت است از:

$$I = \frac{\mu - X^*}{\mu} \quad (2)$$

که در آن μ میانگین درآمد است. در واقع شاخص نابرابری اتكینسون، رفاه از دست رفته در اثر نابرابری را اندازه گیری می کند. چنانچه با افزایش یا کاهش درآمد به یک نسبت، نابرابری تغییر

1. Pigou-Dalton

نکند، شاخص نابرابری نسبت به مقیاس، مستقل^۱ خواهد بود. اتکینسون نشان داد بامتقارن و هموتوئیک بودن تابع رفاه اجتماع ، فرم تابعی $U_i(X_i)$ به صورت زیر خواهد بود:

$$\begin{aligned} e \neq 1 & : U(X) = A + B \left(\frac{X^{-e}}{1-e} \right) \\ e = 1 & : U(X) = A + B \ln X \end{aligned} \quad (3)$$

e پارامتر نابرابری گریزی بوده و با توجه به تابع مطلوبیت فوق، نابرابری اتکینسون برابر می‌شود با:

$$\begin{aligned} e \neq 1 & : I(e) = \frac{\mu - \left(\sum_{i=1}^n f_i X_i^{1-e} \right)^{\frac{1}{1-e}}}{\mu} \\ e = 1 & : I(e) = \frac{\mu - \vartheta}{\mu} \end{aligned} \quad (4)$$

که در آن ϑ میانگی هندسی است به صورت $\ln(\vartheta) = \sum_{i=1}^n f_i \ln X_i$ محاسبه می‌شود.
 $e = 1$ بیانگر بی تفاوتی نسبت به نابرابری می‌باشد. در چنین حالتی برای جامعه، نابرابری

اهمیتی ندارد. هرچه e افزایش یابد، نگرانی نسبت به نابرابری بیشتر خواهد شد. وقتی e به سمت بی نهایت میل کند، جامعه همه توجه خود را به نابرابری معطوف کرده و رفاه اجتماع توسط درآمد فقیرترین عضو جامعه اندازه گیری می‌شود. در این حالت، هدف اجتماع حداقل را کردن رفاه بدترین عضو جامعه گردیده و دقیقاً با قاعده حداقل را لز منطبق می‌شود. مقاله حاضر مقداری (۱) و (۲) برای پارامتر نابرابری گریزی (e) قائل شده است. منظور از درآمد، تمامی وجوهی است که از کار، سرمایه و یا منابع دیگر مثل حقوق بازنشتگی، درآمدهای انتقالی و نظایر آن به دست آمده است. بنابراین اجزاء درآمد عبارتند از:

- ۱- درآمد از حقوق بگیری ، شامل درآمد پولی و غیر پولی از بخش عمومی، تعاقنی و خصوصی؛
- ۲- درآمد از مشاغل آزاد اعم از درآمدهای پولی و غیر پولی مشاغل آزاد کشاورزی و غیر کشاورزی؛

۳- درآمدهای متفرقه شامل کلیه وجوه به دست آمده از طریق غیراز اشتغال مانند: اجاره اموال منقول و غیر منقول، حقوق بازنشتگی و نظایر آن.

با توجه به مطالب مطرح شده، کشش رفاهی نسبت به میانگین درآمد جزء آنم ($n_{w,j}$) به صورت زیر تعریف می‌شود:

1. Scale-independent

$$(\eta_{wj}) = \frac{\mu_i}{\mu} \frac{\Delta X^*}{\Delta \mu_i} \quad (5)$$

که در آن ز سیاست مالیاتی و μ_i میانگین آمین جزء درآمد است. میانگین کل درآمد برابر است با :

$$\mu = \sum_{i=1}^r \mu_i \quad (6)$$

همچنین با تعریف کشش نابرابری بصورت درصد تغییر بوجود آمده در نابرابری ناشی از درصد تغییر میانگین آمین جزء درآمد:

$$\eta_{ij} \frac{\mu_i}{\mu} = \frac{\Delta r}{\Delta \mu_i} - \left(\frac{X^*}{\mu - X^*} \right) = \left(\eta_{wj} - \frac{\mu_i}{\mu} \right) \quad (7)$$

همچنین کشش رفاه به صورت زیر به دست می آید:

$$(\eta_{wj}) \frac{\mu_i}{\mu} = \left(\frac{\mu - X^*}{X^*} \right) - \eta_{ij} \quad (8)$$

عبارت اول سمت راست رابطه مذکور، اثر درآمدی^۱ بوده که مثبت است و عبارت دوم، اثر نابرابری است که می تواند مثبت یا منفی باشد.

اگر اثر نابرابری مثبت (منفی) باشد به معنی آن است که افزایش آمین جزء درآمد رفاه را افزایش (کاهش) می دهد. بنابراین اثر نابرابری بیانگر آن است که: آیا افزایش میانگین آمین جزء درآمد به نفع فقیر یا غنی بوده است؟

اثر درآمدی را (m_i) نامگذاری کرده و شاخص اصلاح رفاه به صورت زیر به دست می آید:

$$\varphi_j = \frac{\eta_{wi}}{m_i} \quad (9)$$

اگر φ_j بزرگتر (کوچکتر) از یک باشد، از سیاست مالیاتی که آمین جزء درآمد را افزایش می دهد، فقیر نسبت به غیر فقیر بیشتر (کمتر) بهره مند شده و سیاست مالیاتی به نفع فقیر (به نفع غیرفقیر با غنی) خواهد بود. فرض شود A و B دو طرح مالیاتی دولت باشند. با: $\varphi_A > \varphi_B$ می توان نتیجه گرفت هر ریال طرح A منجر به افزایش بیشتر رفاه نسبت به هر ریال طرح B می گردد. به عبارت دیگر با جایگزینی طرح A به جای B رفاه اجتماع بهبود می یابد. بنابراین (φ_j) را می توان شاخص مناسبی برای اصلاح سیاست های مالیاتی دولت، به حساب آورد.

۱. با توجه به: $\mu = \sum_i \mu_i$ و مشتق نسبت به μ : $\frac{\partial \mu}{\partial \mu_i} = 1$: $\mu_i \cdot \frac{\partial \mu}{\partial \mu_i} = \frac{\mu_i}{\mu}$ طرفین رابطه در ضرب شده: که اثر درآمدی نامیده می شود.

با به کارگیری الگوی معرفی شده و استفاده از داده‌های نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی و سالنامه آماری مرکز آمار ایران برای سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲، سیاست مالیاتی ایران از جنبه فقر ارزیابی می‌گردد.

۴- محاسبه سطح درآمد معادل درآمد برابر توزیع شده

با توجه به اطلاعات متوسط درآمد خانوار شهری و روستایی بر حسب اجزاء درآمدی در جداول (۱) و (۲)، "سطح درآمد معادل درآمد برابر توزیع شده" که حداقل سطح رفاه اجتماع می‌باشد را اندازه‌گیری نموده و نتایج در جداول (۳) و (۴) برای مناطق شهری و روستایی با پارامتر نابرابری گریزی، مساوی با یک نشان داده شده است. متذکر می‌گردد درآمد حقوق بگیری (۶)، درآمد مشاغل آزاد (۴) و درآمدهای متفرقه (۲) زیر مجموعه دارند.

جدول (۱). متوسط درآمد یک خانوار شهری بر حسب اجزاء درآمد

(هزار ریال / سالانه) ۱۳۷۹-۱۳۸۳

سال	الجزء درآمدی	درآمد از حقوق بگیری	درآمد از مشاغل آزاد	درآمدهای متفرقه	جمع
۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۱۶۲۲۲	۱۳۳۵۰	۱۰۶۶۹	۸۷۸۹	۷۴۶۴	
۱۳۴۷۹	۱۰۸۵۷	۹۸۷۸	۷۱۸۴	۶۹۶۷	
۱۷۵۶۶	۱۴۹۹۵	۱۲۵۵۷	۹۸۵۹	۷۹۵۷	
۴۷۲۶۸	۳۹۲۰۲	۲۳۱۰۵	۲۵۸۳۲	۲۲۳۸۸	
مأخذ : مرکز آمار ایران					

جدول (۲). متوسط درآمد یک خانوار روستایی بر حسب اجزاء درآمد در دوره ۱۳۷۹-۸۳

سال	الجزء درآمدی	درآمد از حقوق بگیری	درآمد از مشاغل آزاد	درآمدهای متفرقه	جمع
۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۸۷۴۴	۶۹۶۱	۵۴۸۰	۴۴۶۹	۳۸۹۶	
۱۴۷۶۷	۱۱۹۶۷	۹۰۹۹	۷۳۴۲	۶۴۶۴	
۴۳۷۳	۵۱۱۲	۴۴۲۳	۳۳۸۹	۲۶۸۷	
۲۷۸۸۴	۲۴۰۴	۱۹۰۰۳	۱۵۲۰۰	۱۳۰۴۷	
مأخذ : مرکز آمار ایران					

همان طور که جداول (۳) و (۴) نشان می‌دهند، حداقل سطح رفاه اجتماع اجزاء مختلف درآمدی شهری و روستایی افزایش یافته است. ضمن آنکه حداقل سطح رفاه اجتماع درآمدهای متفرقه بیش از دو جزء دیگر می‌باشد.

جدول (۳). اندازه‌گیری سطح معادل توزیع متعادل اجزاء درآمدی در مناطق شهری ایران در دوره ۱۳۷۹-۸۲ (هزار ریال / سالانه / خانوار) (e=۱)

سال	اجزاء درآمدی	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹
درآمد از حقوق بگیری	۶۶۵	۶۱۲	۵۸۴	۵۵۹	
درآمد از مشاغل آزاد	۹۲۹	۹۰۱	۵۵۸	۵۵۱	
درآمدهای متفرقه	۸۳۰۵	۷۷۹۴	۶۷۹۸	۶۲۵۹	

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۴). اندازه‌گیری سطح معادل توزیع متعادل اجزاء درآمدی در مناطق روستایی ایران در دوره ۱۳۷۹-۸۲ (هزار ریال / سالانه / خانوار) (e=۱)

سال	اجزاء درآمدی	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹
درآمد از حقوق بگیری	۳۵۹	۳۲۵	۳۰۳	۲۹۴	
درآمد از مشاغل آزاد	۲۰۰۷	۱۸۳۰	۱۷۲۳	۱۶۷۲	
درآمدهای متفرقه	۳۷۲۱	۳۵۳۷	۳۰۲۱	۲۶۳۴	

مأخذ: یافته های تحقیق

نتایج محاسبه سطح رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی، وقتی پارامتر نابرابری از (۱) به (۲) افزایش یابد و توجه جامعه به گروه های پایین درآمدی بیشتر گردد، به عبارت دیگر، نابرابری اهمیت بیشتری پیدا کند، در جداول (۵) و (۶) نشان داده شده است.

جدول (۵). اندازه‌گیری سطح معادل توزیع متعادل اجزاء درآمدی در مناطق شهری ایران در دوره ۱۳۷۹-۸۲ (هزار ریال / سالانه / خانوار) (e=۲)

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
اجزاء درآمدی				
در آمد از حقوق بگیری	۴۵	۴۹	۵۳	۵۹
درآمد از مشاغل آزاد	۲۶۴	۲۶۶	۲۸۷	۲۹۵
درآمدهای متفرقه	۵۹۵۱	۶۵۶۴	۷۲۴۸	۷۷۳۰

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۶). اندازه گیری سطح معادل توزیع متعدد اجزاء درآمدی در مناطق روستایی
ایران در دوره ۸۲-۱۳۷۹ (هزار ریال / سالانه / خانوار) (e=۲)

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
اجزاء درآمدی				
در آمد از حقوق بگیری	۳۷	۳۸	۴۰	۴۲
درآمد از مشاغل آزاد	۶۰۰	۶۲۵	۶۷۲	۷۱۴
درآمدهای متفرقه	۲۴۱۳۱	۲۸۱۲	۳۳۷۷	۳۶۶۰

مأخذ: یافته های تحقیق

همان طور که مشاهده می شود با پارامتر نابرابری گریزی (۱) و (۲)، حداقل سطح رفاه عمومی مناطق شهری و روستایی روند افزایش داشته و جزو درآمد از حقوق بگیری، کمترین و درآمدهای متفرقه، بیشترین سطح رفاه به دست آمده و این موضوع با افزایش نابرابری گریزی تشدید گردیده است.

۵- محاسبه ضریب نابرابری اتکینسون

ضریب نابرابری اتکینسون در مناطق شهری و روستایی با استفاده از رابطه (۴) به دست می آید. جداول (۷) و (۹) نابرابری در مناطق شهری و روستایی با پارامتر نابرابری گریزی مساوی با یک را نشان می دهند. نتایج ضریب نابرابری اتکینسون در مناطق شهری و روستایی زمانی که وزن بیشتری به اقسام کم درآمد جامعه داده شود، با پارامتر نابرابری گریزی (۲) داده شود در جداول (۸) و (۱۰) نشان داده شده است.

جدول (۷). اندازه ضریب نابرابری اتکینسون در مناطق شهری ایران در دوره ۸۲-۱۳۷۹ (e=۱)

سال	اجزاء درآمدی	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۸۱	۱۳۸۲
در آمد از حقوق بگیری	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۳	۰/۹۳	
درآمد از مشاغل آزاد	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۲	
درآمدهای متفرقه	۰/۴۵	۰/۳۸	۰/۲۱	۰/۲۱	

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۸). اندازه ضریب نابرابری اتکینسون در مناطق شهری ایران در دوره ۸۲-۱۳۷۹
(e=۲)

سال	اجزاء درآمدی	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۸۱	۱۳۸۲
در آمد از حقوق بگیری	۰/۹۹۵	۰/۹۹۵	۰/۹۹۴	۰/۹۹۴	
درآمد از مشاغل آزاد	۰/۹۷۲	۰/۹۷۱	۰/۹۶۳	۰/۹۶۲	
درآمدهای متفرقه	۰/۴۸۵	۰/۴۲۳	۰/۳۳۴	۰/۲۵۲	

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۹). اندازه ضریب نابرابری اتکینسون در مناطق روستایی ایران در دوره ۸۲-۱۳۷۹
(e=۱)

سال	اجزاء درآمدی	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۸۱	۱۳۸۲
در آمد از حقوق بگیری	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۹۳	۰/۹۲	
درآمد از مشاغل آزاد	۰/۸۳	۰/۸۰	۰/۷۶	۰/۷۴	
درآمدهای متفرقه	۰/۲۷	۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۰۲	

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۱۰). اندازه ضریب نابرابری اتکینسون در مناطق روستایی ایران در دوره ۸۲-۱۳۷۹
(e=۱)

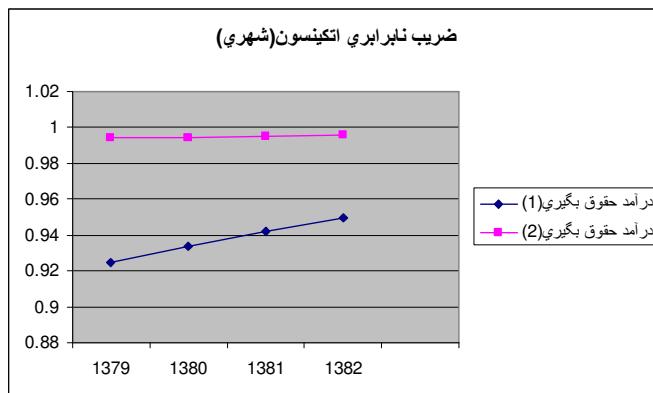
سال	اجزاء درآمدی	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۸۱	۱۳۸۲

۰/۹۹۳	۰/۹۹۲	۰/۹۹۲	۰/۹۹۱	درآمد از حقوق بگیری
۰/۹۴۰	۰/۹۲۶	۰/۹۱۵	۰/۹۰۷	درآمد از مشاغل آزاد
۰/۲۸۳	۰/۲۳۷	۰/۱۷۰	۰/۱۰۲	درآمدهای متفرقه

مأخذ: یافته های تحقیق

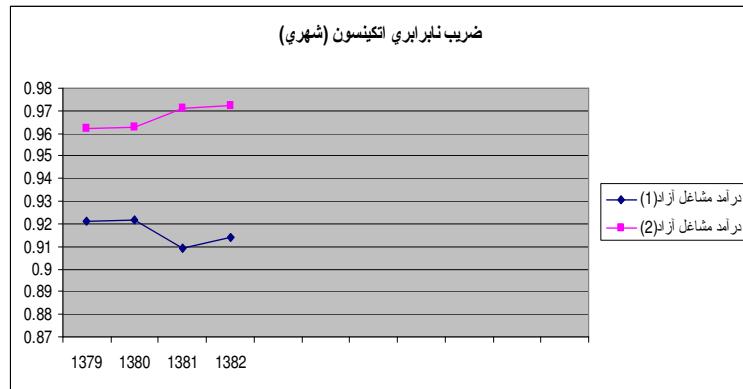
همان طور که در جداول (۷) و (۸) مشاهده می‌شود، نابرابری از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ در مناطق شهری سیر صعودی داشته و همچنین روند افزایشی در جداول (۹) و (۱۰) در مناطق روستایی وجود دارد. ضریب نابرابری اتکینسون بین صفر و یک، متغیر است. عدد صفر بیانگر برابری و عدد یک، نابرابری کامل را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود نابرابری درآمد از حقوق بگیری و مشاغل آزاد نزدیک به کامل بوده و هرچه نابرابری، اهمیت بیشتری پیدا کند، نابرابری اجزاء درآمدی فوق شدت می‌یابد. مיעضل نابرابری بویژه در ارتباط با مشاغل آزاد در مناطق شهری شدیدتر است. نابرابری در جزء درآمدهای متفرقه بسیار کمتر از اجزاء دیگر می‌باشد. به عنوان مثال نابرابری در جزء درآمد از حقوق بگیری در مناطق شهری و روستایی بیش از ۹۹ درصد بوده و به این معنی است که با کمتر از یک درصد کل درآمد موجود، می‌توان به سطح فعلی رفاه اجتماع دست یافت، مشروط بر آنکه تمامی افراد سهمی مساوی از این درآمد را به خود اختصاص دهند. به عبارت دیگر ۹۹ درصد بقیه درآمد به هدر رفته است. ضریب نابرابری اتکینسون مناطق شهری و روستایی به تفکیک اجزاء درآمدی را در نمودارهای (۱) تا (۶) می‌توان مشاهده کرد.

نمودار (۱)



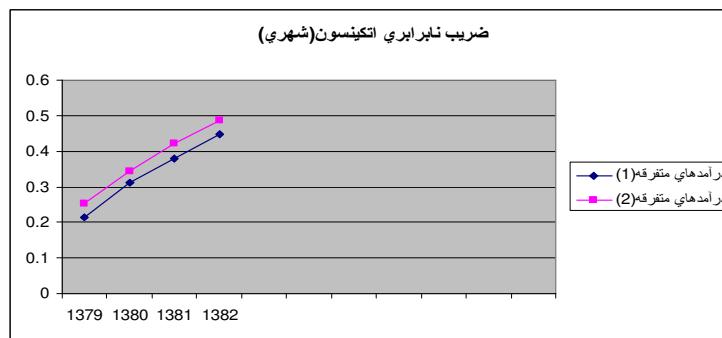
مأخذ : یافته‌های تحقیق

نمودار (۲)



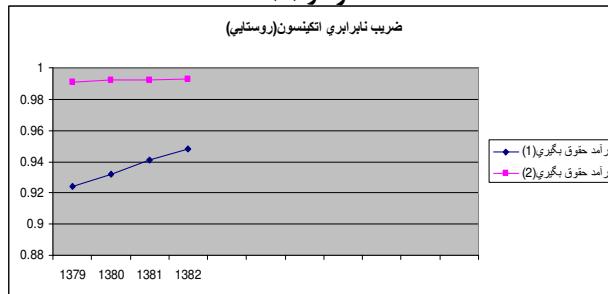
مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودار (۳)



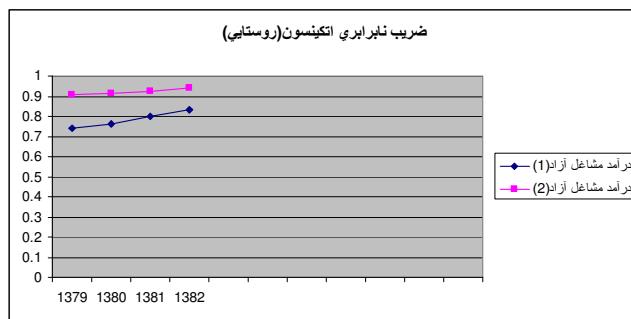
مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودار (۴)



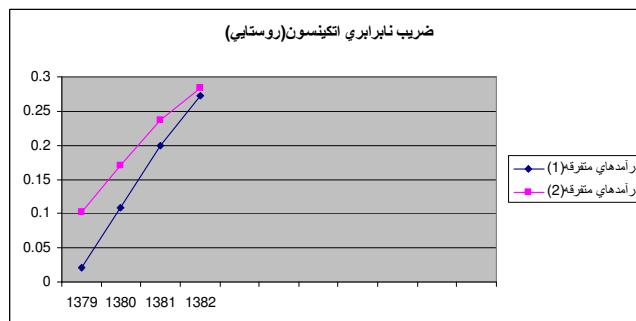
مأخذ : یافته های تحقیق

نمودار (۵)



مأخذ : یافته های تحقیق

نمودار (۶)



مأخذ : یافته های تحقیق

۶- محاسبه کشش رفاه

کشش رفاه با استفاده از رابطه (۸) و (۹) و در دو حالت نابرابری گریزی (۱) و (۲) محاسبه می گردد. کشش فوق بیانگر آن است که یک درصد افزایش میانگین هر جزء درآمدی چه اثری بر رفاه اجتماع دارد. نتایج را در جداول (۱۱) و (۱۲) برای مناطق شهری و جداول (۱۳) و (۱۴) برای مناطق روستایی می توان مشاهده کرد.

جدول (۱۱). کشش رفاه در مناطق شهری ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۲ (e=۱)

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
اجزاء درآمدی				
در آمد از حقوق بگیری	۰/۲۵۱	۰/۲۲۸	۰/۳۴۳	۰/۳۲۱
درآمد از مشاغل آزاد	۰/۳۹۰	۰/۲۵۸	۰/۳۰۴	۰/۳۴۲
درآمدهای متفرقه	۰/۳۶۰	۰/۵۹۴	۰/۳۳۸	۰/۳۴۱

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۱۲). کشش رفاه در مناطق شهری ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۲ (e=۲)

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
اجزاء درآمدی				
در آمد از حقوق بگیری	۰/۳۷۰	۰/۴۲۰	۰/۴۰۰	۰/۴۲۰
درآمد از مشاغل آزاد	۰/۲۲۴	۰/۲۰۹	۰/۲۸۸	۰/۳۰۸
درآمدهای متفرقه	۰/۴۲۹	۰/۳۸۱	۰/۳۴۲	۰/۲۶۹

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۱۳). کشش رفاه در مناطق روستایی ایران در دوره ۱۳۷۹-۸۲ (e=۱)

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
اجزاء درآمدی				
در آمد از حقوق بگیری	۰/۲۰۸	۰/۳۱۱	۰/۳۸۶	۰/۳۹۲
درآمد از مشاغل آزاد	۰/۲۷۰	۰/۲۳۳	۰/۳۰۷	۰/۳۱۸
درآمدهای متفرقه	۰/۵۵۲	۰/۵۵۸	۰/۳۳۴	۰/۳۰۱

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۱۴). کشش رفاه در مناطق روستایی ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۲ (e=۲)

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
اجزاء درآمدی				
در آمد از حقوق بگیری	۰/۱۸۱	۰/۲۶۸	۰/۲۱۷	۰/۲۸۰
درآمد از مشاغل آزاد	۰/۳۱۵	۰/۳۱۲	۰/۱۹۷	۰/۳۱۲
درآمدهای متفرقه	۰/۶۳۴	۰/۳۹۵	۰/۵۳۹	۰/۳۹۲

مأخذ: یافته های تحقیق

همان طور که ملاحظه می‌شود در مناطق شهری وقتی پارامتر نابرابری گریزی افزایش می‌یابد، ضریب کشش رفاه درآمد از حقوق بگیری افزایش یافته و دو جزء دیگر بویژه مشاغل آزاد کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر در مناطق شهری انتقال درآمد از سایر اجزاء درآمدی بویژه مشاغل آزاد به حقوق بگیری، رفاه جامعه بهبود خواهد یافت.

جداول (۱۴) و (۱۵) نشان می‌دهند در مناطق روستایی وقتی پارامتر نابرابری گریزی افزایش می‌یابد، کشش رفاه جزء درآمد از حقوق بگیری، کاهش یافته و این کاهش حکایت از آن دارد که سهم درآمدی فقیر از جزء درآمدی حقوق بگیری از غنی، کمتر بوده و عکس این موضوع را می‌توان در جزء درآمدهای متفرقه مشاهده کرد. به عبارت دیگر با اهمیت دادن به فقر یعنی افزایش پارامتر نابرابری گریزی، کشش رفاه جزء درآمدهای متفرقه، بیشتر شده و با توزیع مجدد درآمد از جزء حقوق بگیری به جزء درآمدهای متفرقه می‌توان رفاه قشر فقیر را افزایش داد. کشش رفاه، جزء درآمد از مشاغل آزاد در دو سال ابتدایی افزایش و در دو سال انتهایی کاهش یافته است.

۷- محاسبه شاخص اصلاح رفاه

بالاخره با توجه به رابطه^(۹) شاخص اصلاح رفاه در دو حالت پارامتر نابرابری گریزی (۱) و (۲) محاسبه گردید و نتایج در جداول (۱۵) و (۱۶) مناطق شهری و جداول (۱۷) و (۱۸) مناطق روستایی نشان داده شده است. شاخص اصلاح رفاه، منعکس کننده اصلاحی است که منجر به حداقل رفاه در جامعه گردیده و عبارت دیگر درجه به نفع فقیری و عادلانه بودن اجزاء مختلف درآمدی را نشان می‌دهد.

جدول (۱۵).شاخص اصلاح رفاه در مناطق شهری ایران در دوره ۸۲-۱۳۷۹ (e=۱)

سال	اجزاء درآمدی	درآمد از حقوق بگیری	درآمد از مشاغل آزاد	درآمدهای متفرقه
۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۰/۹۴	۱/۰۶	۰/۶۷	۰/۷۵	
۱/۲۴	۱/۰۲	۰/۹۳	۱/۲۵	
۰/۹۰	۰/۸۹	۱/۵۶	۱/۰۱	

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۱۶). شاخص اصلاح رفاه در مناطق شهری ایران در دوره ۱۳۷۹-۸۲ (e=۲)

سال	اجزاء درآمدی	درآمد از حقوق بگیری	درآمد از مشاغل آزاد	درآمدهای متفرقه
۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۱/۲۳	۱/۲۴	۱/۲۴	۱/۱۱	درآمد از حقوق بگیری
۱/۱۱	۰/۹۷	۰/۷۶	۰/۷۲	درآمد از مشاغل آزاد
۰/۷۰	۰/۹۰	۰/۹۹۷	۱/۰۳	درآمدهای متفرقه

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۱۷). شاخص اصلاح رفاه در مناطق روستایی ایران در دوره ۱۳۷۹-۸۲ (e=۱)

سال	اجزاء درآمدی	درآمد از حقوق بگیری	درآمد از مشاغل آزاد	درآمدهای متفرقه
۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۱/۳۵	۱/۳۴	۱/۰۶	۰/۷۰	درآمد از حقوق بگیری
۰/۶۴	۰/۶۴	۰/۴۹	۰/۵۵	درآمد از مشاغل آزاد
۱/۴۱	۱/۴۳	۲/۵۰	۲/۶۸	درآمدهای متفرقه

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۱۸). شاخص اصلاح رفاه در مناطق روستایی ایران در دوره ۱۳۷۹-۸۲ (e=۲)

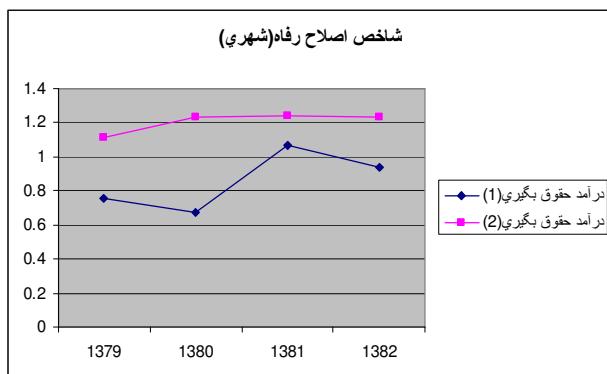
سال	اجزاء درآمدی	درآمد از حقوق بگیری	درآمد از مشاغل آزاد	درآمدهای متفرقه
۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۰/۹۷	۰/۷۵	۰/۹۱	۰/۶۱	درآمد از حقوق بگیری
۰/۶۳	۰/۴۱	۰/۶۵	۰/۶۳	درآمد از مشاغل آزاد
۱/۳۵	۲/۳۱	۱/۷۰	۳/۰۸	درآمدهای متفرقه

مأخذ: یافته های تحقیق

شاخص اصلاح رفاه بزرگتر از یک به این معنی است که سیاست مالیاتی به نفع فقیر بوده و کوچکتر از یک، سیاست مالیاتی به نفع غنی ارزیابی می شود. با توجه به جداول (۱۵) و (۱۶) مشاهده می شود: در مناطق شهری با پارامتر نابرابری گریزی یک، سیاست مالیاتی جزء درآمد از حقوق بگیری به استثناء سال ۱۳۸۱ در بقیه سالها به نفع غنی بوده و ناعادلانه است. اما با افزایش

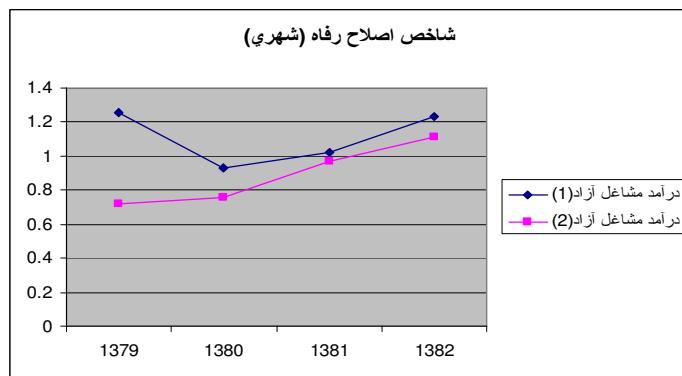
پارامتر نابرابری گریزی و توجه بیشتر به اقشار فقیر و کم درآمد، سیاست مالیاتی جزء درآمد حقوق بگیری به نفع فقیر شده و عادلانه می باشد. این موضوع در مورد اجزاء درآمدی مشاغل آزاد و متفرقه برعکس است. بنابراین می توان نتیجه گرفت با توزیع مجدد و انتقال درآمد از اجزاء درآمدی دیگر به جزء درآمد حقوق بگیری رفاه جامعه افزایش می یابد. در مناطق روستایی به صورت دیگر خواهد بود. همان طور که در جداول (۱۷) و (۱۸) مشاهده می شود، در مناطق روستایی با پارامتر نابرابری گریزی یک، سیاست مالیاتی جزء درآمد از حقوق بگیری به استثناء سال ۱۳۷۹ در بقیه سالها به نفع فقیر و عادلانه بوده، با افزایش نابرابری گریزی این جزء درآمدی به نفع غنی شده و ناعادلانه می گردد. در خصوص جزء درآمد مشاغل آزاد با هر درجه اهمیت نابرابری، سیاست مالیاتی به نفع غنی و ناعادلانه می باشد. اما در مورد جزء درآمد های متفرقه با هر درجه اهمیت نابرابری سیاست مالیاتی به نفع فقیر بوده و عادلانه است. گرچه اهمیت پیدا کردن نابرابری، حکایت از عادلانه تر شدن دارد. بنابراین با توزیع مجدد و انتقال درآمد از سایر اجزاء درآمدی به درآمدهای متفرقه، رفاه جامعه افزایش پیدا می کند. با توجه به نمودارهای (۷) تا (۱۲) شاخص اصلاح رفاه اجزاء درآمدی مناطق شهری و روستایی در دو حالت پارامتر نابرابری گریزی را می توان مقایسه نمود. نتایج شاخص اصلاح رفاه مناطق شهری و روستایی به تفکیک اجزاء درآمد در نمودارهای (۷) تا (۱۲) نشان داده شده است.

نمودار (۷).



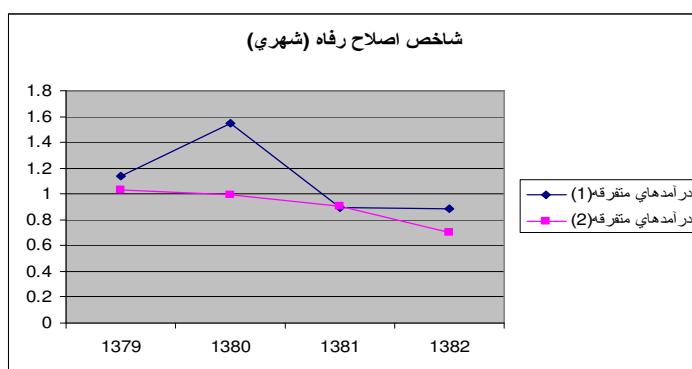
مأخذ: یافته های تحقیق

نمودار (۸).



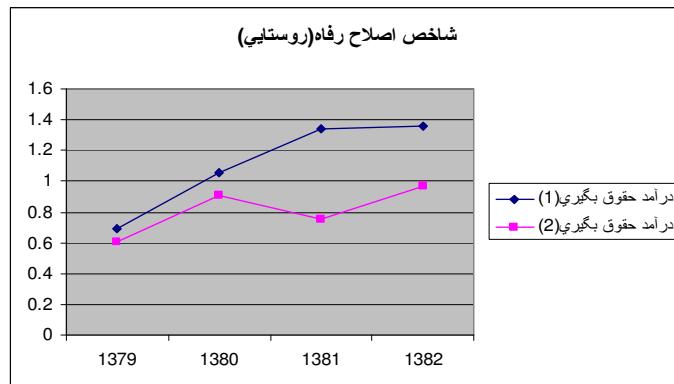
مأخذ: یافته های تحقیق

نمودار (۹).



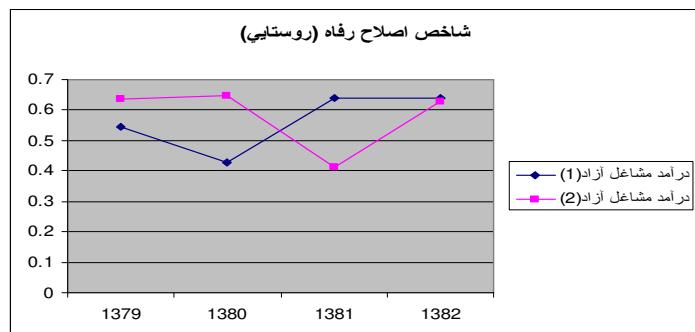
مأخذ: یافته های تحقیق

نمودار (۱۰).



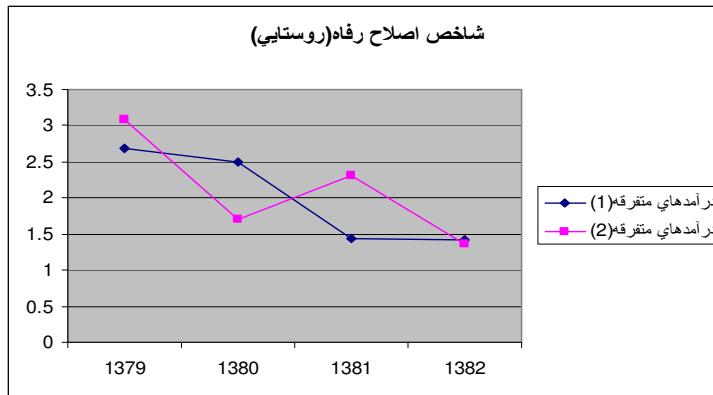
مأخذ: یافته های تحقیق

نمودار (۱۱).



مأخذ: یافته های تحقیق

نمودار(۱۲).



مأخذ: یافته های تحقیق

۸- نتیجه گیری

مهمترین نتایج حاصل از مطالعه براساس الگوی به کار گرفته شده و محاسبات به عمل آمده که به طور یکجا در جداول (۱۹) و (۲۰) خلاصه گردیده، به صورت زیر ارائه می شود:

- تحت هر پارامتر نابرابری گریزی، حداقل سطح رفاه عمومی مناطق شهری و روستایی روند افزایشی داشته و جزء درآمد از حقوق بگیری کمترین جزء و از درآمدهای متفرقه بیشترین سطح رفاه را به دست می آورد. و این موضوع با اهمیت دادن به فقر و توجه بیشتر به گروه های پایین درآمدی یعنی افزایش پارامتر نابرابری گریزی تشدید می گردد.
- نابرابری در مناطق شهری و روستایی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ افزایش یافته و این موضوع در اجزاء درآمد از حقوق بگیری و درآمد از مشاغل آزاد بسیار بالا و نزدیک به نابرابری کامل می باشد. با توجه بیشتر به قشر فقیر نابرابری شدت یافته، اگرچه افزایش نابرابری در جزء درآمدهای متفرقه بسیار کمتر از دو جزء دیگر بوده است.
- کشش رفاه در مناطق شهری با افزایش پارامتر نابرابری گریزی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ در جزء درآمد از حقوق بگیری افزایش و در اجزاء درآمدی دیگر کاهش یافته و این امر حاکی از آن است که با توزیع مجدد از اجزاء درآمدی دیگر به جزء درآمد حقوق بگیری، می توان رفاه جامعه را افزایش داد. این موضوع در مناطق روستایی برعکس می باشد.

۴ - در مناطق شهری با پارامتر نابرابری گریزی (۱) سیاست مالیاتی جزء درآمد از حقوق بگیری به استثناء سال ۱۳۸۱ در بقیه سالها به نفع غنی بوده و ناعادلانه می باشد. با توجه بیشتر به اشار فقیر و کم درآمد، سیاست مالیاتی جزء درآمد حقوق بگیری به نفع فقیر شده و عادلانه می گردد. این موضوع در مورد اجزاء درآمدی مشاغل آزاد و درآمدی های متفرقه بر عکس است. در مناطق روستایی با پارامتر نابرابری گریزی (۱) سیاست مالیاتی جزء درآمد از حقوق بگیری به استثناء سال ۱۳۷۹ در بقیه سالها به نفع فقیر و عادلانه بوده، با افزایش نابرابری گریزی این جزء درآمدی به نفع غنی شده و ناعادلانه می باشد. اما جزء درآمدی های متفرقه با هر درجه اهمیت نابرابری سیاست مالیاتی، به نفع فقیر و عادلانه است، گرچه با اهمیت پیدا کردن نابرابری، حکایت از عادلانه تر شدن دارد.

جدول (۱۹). اندازه ضریب نابرابری اتکینسون و شاخص اصلاح رفاه بر حسب اجزاء درآمد

در مناطق شهری در دوره ۱۳۷۹-۸۲ (هزاریال / سالانه / خانوار)

(۲) پارامتر نابرابری گریزی								جزء	۱۳۷۹		
e = 2				e = 1							
شاخص اصلاح رفاه		ضریب نابرابری اتکینسون		شاخص اصلاح رفاه		ضریب نابرابری اتکینسون					
Φ _i	η _i	A	x*	Φ _i	η _i	A	x*				
۱/۱۱	۰/۳۷	۰/۹۹	۴۵	۰/۷۵	۰/۲۵	۰/۹۳	۵۵۹	درآمد از حقوق بگیری	۱۳۷۹		
۰/۷۲	۰/۲۲	۰/۹۶	۲۶۴	۱/۲۵	۰/۳۹	۰/۹۲	۵۵۱	درآمد از مشاغل آزاد			
۱/۲۱	۰/۴۳	۰/۲۵	۵۹۵۱	۱/۰۱	۰/۳۶	۰/۲۱	۶۲۵۹	درآمدی های متفرقه			
۱/۲۴	۰/۴۲	۰/۹۹	۴۹	۰/۶۷	۰/۲۳	۰/۹۳	۵۸۴	درآمد از حقوق بگیری			
۰/۷۵	۰/۲۱	۰/۹۶	۲۶۶	۰/۹۳	۰/۲۶	۰/۹۲	۵۵۸	درآمد از مشاغل آزاد	۱۳۸۰		
۰/۹۹۷	۰/۳۸	۰/۳۳	۶۵۶۴	۱/۰۶	۰/۵۹	۰/۳۱	۶۷۹۸	درآمدی های متفرقه			
۱/۲۴	۰/۴۰	۰/۹۹۵	۵۳	۱/۰۶	۰/۳۴	۰/۹۴	۶۱۲	درآمد از حقوق بگیری			
۰/۹۷	۰/۲۹	۰/۹۷	۲۸۷	۱/۰۲	۰/۳۰	۰/۹۱	۹۰۱	درآمد از مشاغل آزاد			
۰/۹۰	۰/۳۴	۰/۹۲	۷۲۴۸	۰/۸۹	۰/۳۴	۰/۳۸	۷۷۹۴	درآمدی های متفرقه	۱۳۸۱		
۱/۲۳	۰/۴۲	۰/۹۹۶	۵۹	۰/۹۴	۰/۳۲	۰/۹۵	۶۶۵	درآمد از حقوق بگیری			
۱/۱۱	۰/۳۱	۰/۹۷	۲۹۵	۱/۲۴	۰/۳۴	۰/۹۱	۹۲۹	درآمد از مشاغل آزاد			
۰/۷۰	۰/۲۷	۰/۴۹	۷۷۳۰	۰/۸۹	۰/۳۴	۰/۴۵	۸۳۰۵	درآمدی های متفرقه			

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول (۲۰). اندازه ضریب نابرابری اتکینسون و شاخص اصلاح رفاه بر حسب اجزاء درآمد در مناطق روستایی در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۲ (هزارریال / سالانه / خانوار)

پارامتر نابرابری گرینی (e)								اجزاء درآمدی	ردیف		
e = 2				e = 1							
شاخص اصلاح رفاه	ضریب نابرابری اتکینسون	شاخص اصلاح رفاه	ضریب نابرابری اتکینسون								
Φ_i	η_i	A	x^*	Φ_i	η_i	A	x^*				
۰/۶۱	۰/۱۸	۰/۹۹	۳۷	۰/۷۰	۰/۲۱	۰/۹۲	۲۹۴	درآمد از حقوق بگیری	۱۳۷۹		
۰/۶۴	۰/۳۲	۰/۹۱	۶۰۰	۰/۵۵	۰/۲۷	۰/۷۴	۱۶۷۲	درآمد از مشاغل آزاد			
۳/۰۸	۰/۶۳	۰/۱۰	۲۴۱۳	۲/۶۸	۰/۵۵	۰/۰۲۱	۲۶۳۴	درآمد های متفرقه			
۰/۹۱	۰/۲۷	۰/۹۹	۳۸	۱/۰۶	۰/۳۱	۰/۹۳	۳۰۳	درآمد از حقوق بگیری	۱۳۸۰		
۰/۶۵	۰/۳۱	۰/۹۲	۶۲۵	۰/۴۸	۰/۲۳	۰/۷۶	۱۷۳۳	درآمد از مشاغل آزاد			
۱/۷۰	۰/۴۰	۰/۱۷	۲۸۱۳	۲/۰۵	۰/۰۵۶	۰/۱۱	۳۰۲۱	درآمد های متفرقه			
۰/۷۵	۰/۲۲	۰/۹۹	۴۰	۱/۳۴	۰/۳۹	۰/۹۴	۳۲۵	درآمد از حقوق بگیری	۱۳۸۱		
۰/۴۱	۰/۲۰	۰/۹۳	۶۷۲	۰/۶۴	۰/۳۱	۰/۸۰	۱۸۳۰	درآمد از مشاغل آزاد			
۲/۳۱	۰/۵۴	۰/۲۴	۳۳۷۷	۱/۴۳	۰/۳۳	۰/۲۰	۳۵۳۷	درآمد های متفرقه			
۰/۹۷	۰/۲۸	۰/۹۹	۴۲	۱/۳۵	۰/۳۹	۰/۹۵	۳۵۹	درآمد از حقوق بگیری	۱۳۸۲		
۰/۶۳	۰/۳۱	۰/۹۴	۷۱۴	۰/۶۴	۰/۳۲	۰/۸۲	۲۰۰۷	درآمد از مشاغل آزاد			
۱/۳۵	۰/۳۹	۰/۲۸۴	۳۶۶۰	۱/۴۱	۰/۳۰	۰/۲۷	۳۷۲	درآمد های متفرقه			

مأخذ: یافته های تحقیق

در یک جمع بندی کلی بر اساس الگوی مورد استفاده و محاسبات به عمل آمده، ضریب نابرابری اتکینسون و شاخص اصلاح رفاه، نتیجه گرفته می شود: در ایران طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ در مناطق شهری و روستایی نابرابری اجزاء مختلف درآمدی افزایش یافته و سیاست های مالیاتی دولت در جهت افزایش نابرابری اعمال شده و عملکرد دولت، نابرابری و فقر را افزایش داده است.

منابع و مأخذ

- جلالی، محسن، (۱۳۸۵) (الف) ارزیابی فقر در اقتصاد ایران؛ مجله روند، سال هفدهم، شماره‌های ۵۰-۷۷، پاییز و زمستان، صفحه ۹۰-۵۱.
- جلالی، محسن، (۱۳۸۵) (ب) تجزیه ضریب جینی و کشش درآمدی آن در ایران؛ مجله روند سال شانزدهم، شماره ۴۸، بهار، صفحه ۴۲-۲۵.
- رئیس دانا، فربیز (۱۳۸۴) اندازه گیری شاخص و پویش فقر در ایران؛ مجله راه اجتماعی، شماره ۴، صفحه ۸۶-۵۴.
- سوری، داوود (۱۳۸۰) فقر و سیاستهای کلان اقتصادی (۱۳۶۷-۱۳۷۵)، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۴، صفحه ۱۸۳-۱۵۵.
- محمودی، حیدر (۱۳۸۲) ارائه یک متداول‌وزی جدید برای تجزیه تغییرات فقر به دو اثر «رشد» و «توزیع مجدد»؛ مجله تحقیقات اقتصادی، وزیر نامه، پاییز و زمستان، صفحه ۱۸۶-۱۶۵.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سالهای مختلف.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری، سالهای مختلف.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی، سالهای مختلف.
- نیلی، فرهاد (۱۳۷۵) بررسی تحولات فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی طی سالهای گذشته اقتصاد؛ اولین گردش‌های فقر و فقرزدایی، جلد ۲.
- Atkinson, A.B. (1970) On the measurement of inequality; Journal of Economic theory, Vol.2, pp. 244-63.
- Kakwani, N. (1980) Income inequality and poverty: Methods of estimation and policy applications; Oxford University Press, New York.
- Kakwani, N. and H. Son (2001a) On pro poor government fiscal policies: With application to the Philippines; Asian Development Bank, Manila.
- Kakwani, N. and H. Son (2001b) On measurement of inequality and poverty with welfare implications; World Bank.
- Kakwani, N. and H. Son (2005) On assessing pro-poorness of government programs: International comparisons; International Poverty Centre, UNDP, WP No.6.
- Sen, A. (1973) On economic inequality; Oxford U.K. Clarendon Press.
- Shah, A. (2005) Public expenditure analysis; The International Bank for Reconstruction and Development, the World Bank.
- Son, H. (2003a) On assessing the equity government's fiscal policies with application to the Philippines; Public Finance Vol.53 (3-4) PP. 452-69.
- Son, H. (2003b) Is Thailand's fiscal system pro poor?: looking from income and expenditure component; World Bank.

- Son, H. (2006) Assessing the pro poorness of government fiscal policy in Thailand; International Poverty Centre, UNDP, WP No.15.
- Woden, O., N.Hicks, B.Rayan and G.Gonzalez (2000) "Are governments pro poor but short-sighted? Targeted and social spending for the poor during booms and busts" World Bank.